

قصیده‌ای نویافته از کسائی

سیدمحمدحسین حکیم

بهترین و کامل‌ترین تحقیق جامع و علمی درباره زندگی و اشعار کسائی کتابی است که استاد بزرگوار شادروان محمدامین ریاحی بانام کسائی مروزی: زندگی، اندیشه و شعر او نوشته است. ریاحی، در دو مقاله خود در سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۵۳، نکات تازه‌ای درباره زندگی کسائی و مذهب او مطرح کرد و، پس از آن، مجموعه یادداشت‌های خود را در کتاب مذکور گردآورد.^۲

ریاحی در مجموع موفق شد که ۳۰۷ بیت منسوب به کسائی را از فرهنگ‌نامه‌ها و جنگ‌ها جمع کند. شاید مهم‌ترین بخش این گردآورده‌ها دو قصیده کامل از کسائی باشد: یکی قصیده منقبت‌نامه امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در ۲۳ بیت که از جنگ مزین و نفیس عبدالله برمکی گرفته شده است و آن هم‌اکنون در مجموعه روان کوشکو به شماره ۱۹۷۶ در کتابخانه توپقاپوسرای استانبول نگهداری می‌شود؛ دیگری سوگنامه کربلا که از تتمه خلاصه‌الاشعار تقی‌الدین محمدبن علی کاشی (وفات: بین ۱۰۲۲ و ۱۰۲۴ق) در کتابخانه بانکی‌پور در پتنه هندوستان به دست آمده است و آن قصیده‌ای است در ۵۰ بیت که نخستین سوگنامه مذهبی شناخته‌شده در شعر فارسی به شمار می‌رود.

کار عالمانه ریاحی پیگیری برای یافتن ابیات تازه‌ای از کسائی را مشکل می‌کرد زیرا

(۱) مشخصات این دو مقاله به شرح زیر است: «قصیده‌ای از کسائی مروزی»، یغما، س ۲۲، ش ۸، آبان ۱۳۴۸، ص ۴۴۳-۴۴۹؛ «پیشرو ناصر خسرو»، مجله یغما، س ۲۷، ش ۱۰، دی ۱۳۵۳، ص ۵۶۱-۵۷۱؛ نیز یادنامه ناصر خسرو، انتشارات دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، مشهد ۱۳۵۵، ص ۲۳۴-۲۴۵.

(۲) چاپ تجدیدنظرشده کتاب در سال ۱۳۷۳ منتشر شده است.

او هر آنچه طی سال‌ها در منابع قدیم و تحقیقات جدید درباره زندگی و شعر کسایی آمده بود از نظر گذرانیده و مطالب نوی را نیز به آنها افزوده بود.

پس از ریاحی، تنها استاد دانشمند علی‌اشرف صادقی، در مقاله محققانه «ابیات تازه‌ای از کسایی»، با بررسی نسخه شماره ۵۸۳۹ لغت فرس اسدی در کتابخانه ملک تهران و نسخه دیگری از همین کتاب در پایان نسخه‌ای از شاهنامه محفوظ در کتابخانه توپقاپوسرای ترکیه به شماره H 1515 همچنین تذکره خیر البیان، نه بیت نویافته دیگر از کسایی را برای اولین بار معرفی کرد. (صادقی، ص ۸۸۳-۸۸۷)

با این تفصیل، پس از این تلاش‌ها، یافتن اشعار دیگری از کسایی تا حدودی سخت و دشوار می‌نمود و تنها از دو راه می‌شد به پیگیری تلاش‌های این استادان ادامه داد: نخست، شواهد لغت‌نامه‌های کهنی که پیش‌تر در دست نبوده یا به چاپ نرسیده باشند؛ دوم، جُنگ‌ها و مجموعه‌های شعری که از گوشه و کنار کتابخانه‌ها و گنجینه‌های نسخ خطی ممکن است به دست آید.

از منابع دسته اول به دو لغت‌نامه برخوردیم که شواهدی از کسایی در آنها نقل شده است: یکی اقاویم العجم که فرهنگی فارسی به فارسی و فارسی به ترکی است و مؤلف آن تاکنون ناشناخته مانده است. قدیم‌ترین نسخه‌ای که از آن می‌شناسیم در کتابخانه عارف حکمت مدینه در سال ۷۱۶ کتابت شده است (منزوی، ج ۳، ص ۱۹۶۲). اما ایرج افشار خیر از ابیاتی در نسخه کتابخانه ملی اتریش می‌دهد که در مدح جمال‌الدین شیخ ابواسحاق اینجو (مقتول: ۷۵۸)، امیر «مستعجل دولت» فارس، سروده شده است (افشار، ص ۲۳-۲۴). به رغم این اختلاف چهل ساله، قدر مسلم آن است که اقاویم العجم در قرن هشتم هجری تألیف شده؛ اما به دست دادن تاریخ دقیق‌تری برای زمان تألیف آن منوط به رؤیت نسخه‌ها و بررسی بیشتر آنهاست. مؤلف این فرهنگ، به مناسبت، از شاعران متعددی شاهد آورده که، در میان آنان، نام کسایی هم به چشم می‌خورد. (همان‌جا)^۳

۳) از این لغت‌نامه، که تاکنون چاپ نشده، دو نسخه در کتابخانه‌های ایران می‌شناسیم: نسخه مورخ ۹۸۶ محفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۳۴۶۵ (← فهرست کتب کتابخانه مبارکه آستان قدس رضوی، ج ۲، ص ۳۵۶؛ گلچین معانی، ج ۱۳، ص ۱۱۷-۱۱۹)؛ نسخه مورخ قرن ۱۱-۱۲ محفوظ در کتابخانه سازمان لغت‌نامه دهخدا شماره ۸۵/۲ (دانش‌پژوه ۳، ج ۳، ص ۴۲-۴۳). برای اطلاعات بیشتر درباره کتاب و دیگر نسخه‌های آن در خارج از کشور ← منزوی، ج ۳، ص ۱۹۶۲-۱۹۶۳؛ دبیرسیاقی، ص ۲۶۶-۲۶۸.

دیگری فرهنگ قدرخان نوشته شده در ۸۰۷ که از آن تنها یک نسخه در بنیاد نسخه‌های خطی شهر باکو به شماره M 294 می‌شناسیم. دانش پژوه این نسخه را دیده و چنین معرفی کرده است:

دانش نامه قدرخان اشرف بن شرف مذکر فاروقی.

فرهنگ فارسی است به فارسی به نام قدرخان... در ۲۱ ذیحجه ۸۰۷. نخست نام ماه‌ها و روزهای ماه به فارسی، سپس واژه‌های فارسی به ترتیب حرف بازپسین آنها با شواهد و گواه‌های شعری. روی هم رفته ۷۵ بیت از فردوسی و رودکی و تاج دین نظامی و عنصری و دقیقی و مطهر و خاقانی و ابوعلا... و سوزنی و ابوشکور و ابونصر مرغزی و سدید عوفی و فرخی و ابوالعباس و ناصر خسرو و عسجدی و منجیک و طیان و شهیدی و شاکر بخاری و علوی اختیاری و خسروی و اسدی طوسی و لیبی و مسعود سلیمان یا سلیمانی و اغاجی و فاخری و بهرامی و ابوالمؤید بلخی و تاج دبیر و ابوالقاسم و سپهسالار و عمّاره و کسایی و معروفی و ابوسعید و خسروانی.

در آن یاد شده است از شاهنامه و سکندرنامه و کتب طب و پندنامه انوشیروان. (دانش پژوه ۳،

ج ۹، ص ۲۲۱-۲۲۲)

این نسخه به خط ثلث اسحاق بن ابراهیم بخاری در روز چهارشنبه ۲۹ ذیقعد ۸۱۱ ق کتابت شده است.^۴

اما در خصوص جنگ‌ها، دو سال پیش از این، در کتابخانه مدرسه سپهسالار به جنگی از اشعار نعت و منقبت و مدح و مراثی خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برخوردیم که تاکنون کسی بدان عنایتی نکرده بود.^۵ در اولین دیدار، به اهمیت آن واقف شدم و، در پی آن، تصویری از نسخه درخواست کردم و، با بررسی دقیق‌تر، به اهمیت قابل توجه این نسخه در میان اقرانش یقین کردم.^۶

۴) برای اطلاعات بیشتر درباره این کتاب ← حاکمی، اسماعیل، «دانشنامه قدرخان و فرهنگ‌های فارسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، س ۳۱ (۱۳۷۲)، ش ۱-۴، ص ۲۸-۳۶.

۵) تنها معرفی کوتاهی از آن در فهرست کتابخانه سپهسالار (دانش پژوه و منزوی، ج ۴، ص ۹۱) صورت گرفته است.

۶) از این گونه جنگ‌های شیعی که همه اشعارشان در منقبت و مراثی اهل بیت سروده شده و پیش از سال ۱۰۰۰ ق کتابت شده باشند چند نسخه دیگر با مشخصات زیر سراغ داریم:

– نسخه‌ای شامل اشعار نصرت علوی رازی و حمزه کوچک ورامینی و شهاب سمنانی، نوشته شده در ۶۲۹.

این جُنگ را عبدالکریم مدّاح در سال ۸۴۹ کتابت کرده است. از مدّاح بودن کاتب برمی آید که وی از مناقب‌خوانان شیعی بوده و این‌گونه اشعار را در سفینه‌ای گرد آورده است.^۷ نسخه از آغاز افتادگی دارد و میزان این افتادگی برای ما مشخص نیست امّا، با قرآینی، صفحات افتاده را تقریباً هم اندازه بابخش موجود حدس می‌زنم. هم‌اکنون ۱۰۶ برگ از نسخه در دست است.

بیشتر اشعار جُنگ قصیده است امّا چند رباعی و ترجیع و ترکیب و قطعه و یک معشر هم دارد. در آن، روی هم رفته از سی و هفت شاعر شاهد - از برخی از آنان چندین قطعه - نقل شده است. فهرست شاعران، به ترتیب ذکر آنان در جُنگ، به شرح زیر است: فردوسی طوسی، لطف‌الله نیشابوری، حافظ سبزواری، کمال‌الدین خواجوی کرمانی، کمال فارسی، جلال جعفری، حسن کاشی، امیر نصرت رازی، امیرعلی سوگندی، وحید تبریزی، شیخ یوسف بنا، کمال‌الدین افضل کاشی، شمس اولیاء بلیانی، خواجکی کرمانی، ابن حیدر سبزواری، ابن خواجه کاشی، مولانا ازری، کمال بن غیاث، جلال جعفریور بومنصور، سیدعلی بغدادی، ناصر خسرو، ابن حیدر علی باری، مولانا مشهدی، وحیدی، توحیدی، قاضی سعدالدین سلطانی، سنائی غزنوی، حمزه کوچک، شیخ نجم‌الدین کبری، ابن مورخ کاشی، سعیدالدین هروی، حاجی جنید حافظ واعظ شیرازی، مولانا در دزد، رفیع‌الدین اشرف شروانی، و پوربنا.^۸

۱ استاد ایرج افشار ابتدا در مقاله‌ای با نام «منتخباتی از سه شاعر شیعی قرن هشتم»، در مجموعه کمیته، این نسخه را معرفی کرده (افشار، ۳، ص ۱۷۲-۱۸۷) و، پس از سال‌ها، متن اشعار را به چاپ رسانده است. (همو، ۱، ص ۱۸۹-۲۳۹) - نسخه دانشگاه تهران به شماره ۳۵۲۸، مورخ روز جمعه ۲۲ صفر ۸۴۴. در این جُنگ، به جز مدایح و مرثی، اشعار دیگری هم آمده امّا وجه غالب آن از همان گونه است. (دانش پژوه ۱، ج ۱۲، ص ۲۵۴۶-۲۵۴۷)

- نسخه محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۳۶۰۹، که از آغاز و انجام افتادگی دارد و تاریخ کتابت نسخه به قرن ۹ بازمی‌گردد. (← صدرائی خوبی، ج ۳۷، ص ۱۲۴-۱۳۰؛ طباطبائی بهبهانی، ج ۲، ص ۱۲۸-۱۲۹)

- نسخه محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۷۵۹۴، مورخ ۹۰۲. (صدرائی خوبی، ج ۲۶، ص ۹۲-۹۴)

- جُنگ محفوظ در کتابخانه مجلس سنا به شماره ۵۱۷، که عبداللطیف بن علی واعظ لطیفی بیرجندی در ربیع‌الاول ۹۲۵ آن را گرد آورده است. (دانش پژوه ۲، ج ۱، ص ۲۱۴-۳۱۶)

(۷) برای رسم مناقب‌خوانی در میان شیعیان ← قزوینی رازی، ص ۶۵-۶۷ و ۷۴-۷۷.

(۸) فهرست نام این شاعران در فهرست کتابخانه سپهسالار اغلاط و افتادگی‌هایی دارد که در اینجا اصلاح شده

اشعار یادشده در این جُنگ می‌تواند در بازشناسی ادب فارسی تشیع طی قرن‌های چهارم تا نهم تا اندازه زیادی به ما کمک کند. در آن میان، شاید یکی از مهم‌ترین و بدیع‌ترین شواهد شعری آن قصیده‌ای باشد از کسایی که در برگ‌های ۷۴-۷۵ ر مندرج است. این قصیده، که متن کامل آن در نسخه ما آمده و ۲۶ بیت دارد، در منقبت امیرمؤمنان علی علیه‌السلام است و از این جهت، پس از قصیده به مطلع

فهم کن گر مؤمنی فضل امیرالمؤمنین فضل حیدر شیر یزدان مرتضای پاکدین
منقول در کتاب استاد ریاحی (ص ۸۹-۹۲)، دومین منقبت‌نامه‌ای است که تاکنون از کسایی سراغ داریم و هم، در عین حال، قدیم‌ترین (سال ۸۴۹) نسخه شناخته‌شده‌ای است که از شعر این شاعر در دست داریم.

قصیده کامل و دلیل متقن دیگری بر تشیع کسایی است. در بیت بیست و پنجم آن تخلص کسایی ذکر شده است.

با احتساب ۳۰۷ بیتی که در کتاب استاد ریاحی آمده و ۹ بیت دیگری که استاد علی‌اشرف صادقی در مقاله خود معرفی کرده و ۲۶ بیت قصیده حاضر، آنچه از اشعار کسایی در دست ماست به ۳۴۲ بیت می‌رسد.

نسخه به شیوه نسخه خطی قرن نهم هجری کتابت شده است. در مواردی، حروف نقطه‌گذاری نشده‌اند؛ «گ» بدون سرکش و «چ» و «پ» بایک نقطه نوشته شده‌اند؛ قاعده ذال معجمه همه‌جا رعایت شده است؛ بسیاری از «الف»‌های میان کلمات علامت مد دارند؛ زیر بسیاری از «ی»‌های پایان کلمات هم دو نقطه - گاهی درون شکم «ی» - گذاشته شده است؛ کلماتی که به نظر کاتب احتمال بدخوانی آنها می‌رفته مشکول شده‌اند.^۹

در اینجا متن قصیده نویافته کسایی را می‌آورم. متن کامل جُنگ سپهسالار را در دست تصحیح دارم.

لیولانا کسایی

۹ است.

(۹) از آنجا که تصویر متن قصیده را در پایان آورده‌ام، لازم ندیده‌ام که در نقل رسم الخط نسخه را رعایت کنم.

تکیه کند بر گمان و گم کند از حق
 دست بشوی از گمان و گرد یقین گرد
 غرق مکن خویش را چرا که ز طوفان
 چیست سفینه جز اهل بیت محمد
 رو تو خلیفه به اختیار همی گیر
 حیدر کزار شیر خالق جبار
 آنکه ز خیبر بکند در به شجاعت
 آنکه به کردار^{۱۰} برق و تیزتر از برق
 آنکه به روز حنین وقت تحرک
 آنکه به حصن سلاسل از بن باره
 آنکه به ضربت فروگداخت چو ارزیز
 آنکه به تیغ کبود از گلوی عمرو
 آنکه به نیزه سراب مرگ و میخن کرد
 آنکه به یک زخم خنک آشهب و آدهم
 آنکه به تأویل وجه کرد و بیاراست
 ذات شریعت جزو که کرد مرکب
 اصل دیانت بدو شدست مهبنا
 منزل تنزیل مصطفای معلّست
 ای همه ساله اسیر زلت عصیان
 غرقه و سرگشته زیر بار گناهان
 دامن اولاد و اهل بیت نبی گیر
 مدحت آل رسول از دل و جان خوان
 باز شو از نسبت هوئی سوی ایشان
 رونق اشعار فضل آل رسولست

تا که بود غرق زرق جاهل احمق
 نقره پاکیزه را مده به موزوق
 راه گشادست زی سفینه و زورق
 آنکه همیشه مطهرند و مصدق
 دست من و دامن خلیفه برحق
 آنکه هدی را امام حق مع الحق
 صعب چنان قفل آهنین معلق
 دلدل شهبان روان جهاند ز خندق
 خنجر او کرد لعل جوشن ازرق
 سنگ عراده دو نیمه کرد مفلق
 جوشن خریشته را به درع مخلق
 محققه^{۱۱} بست از عقیق سرخ منحق^{۱۲}
 بر دو کف کافران شراب موزوق
 کرد به خون عدو معدد و ابلق
 دین هدی را چو کعبه را به سترق
 کتب جهالت جزو [که^{۱۳}] کرد مخرق
 جمع ضلالت ازو شدست مفرق
 معدن تأویل مرتضای موفق
 مانده گروگان بند و بسته مطوق
 دل به غم مرکب و رکاب^{۱۴} مغرق
 تا نشود فعلهات پُر ز مطرق
 سیر شو از قصه سریر و خورنق
 چون نسب غالیه به لادن و زیبق
 ملک به دولت بیار و شعر به رونق

(۱۰) جای این کلمه را در نسخه موریانه خورده است. تصحیح قیاسی است.

(۱۱) چنین است در نسخه. ظاهراً صورت درست میخفته (= گلوبند، گردن بند پند) است.

(۱۲) چنین است در نسخه. (۱۳) در نسخه، «که» از قلم افتاده است.

(۱۴) حرف «ب» در نسخه به موریانه خوردگی از بین رفته است.

شعر کسایی به منقبت بوّد ای دل
 فخرِ دگر شاعران به شعرِ مُطَبَّق
 نگذرد^{۱۵} او یک دم از مناقبِ حیدر
 بگذرد از خیمه و لباسِ مُزَرَّق

منابع

- افشار، ایرج (۱)، «اشعار نصرت رازی، شهاب سمنانی و حمزه کوچک ورامینی، همراه با رسالهٔ منثور امامیه»، میراث اسلامی ایران، ج ۷، کتابخانهٔ آیت الله مرعشی نجفی، قم ۱۳۷۷.
- (۲)، فهرست دست‌نویس‌های فارسی در کتابخانه‌ی ملی اتریش و آرشیو دولتی اتریش در وین، مؤسسهٔ نشر فهرستگان، تهران ۱۳۸۲.
- (۳)، «منتخباتی از سه شاعر شیعی قرن هشتم»، کمیته، فرهنگ ایران‌زمین، تهران ۱۳۵۴.
- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱)، فهرست کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۲، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۴۰.
- (۲)، فهرست کتاب‌های خطی کتابخانهٔ مجلس سنا، ج ۱، کتابخانهٔ مجلس سنا، تهران [بی‌تا].
- (۳)، نسخه‌های خطی، ج ۳ و ۹، کتابخانهٔ مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، تهران ۱۳۴۲ و ۱۳۵۸.
- دانش‌پژوه، محمدتقی و علی‌تقی منزوی، فهرست کتابخانهٔ سپهسالار، انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی، تهران ۱۳۴۶.
- دبیرسیاقی، سیدمحمد، فرهنگ‌نامه‌های فارسی به فارسی و فارسی به زبان‌های دیگر و فرهنگ‌های موضوعی و گویش‌های محلی و فرهنگ‌گونه‌ها، آراء، تهران ۱۳۷۵.
- ریاحی، محمدامین، کسائی مروزی: زندگی، اندیشه و شعر او، علمی، تهران ۱۳۷۳.
- صادقی، علی‌اشرف، «ابیات تازه‌ای از کسایی»، محقق‌نامه: مقالات تقدیم‌شده به استاد دکتر مهدی محقق، ج ۲، به اهتمام بهاء‌الدین خرّمشاهی و جويا جهان‌بخش، سینانگار، تهران ۱۳۸۰.
- صدرائی خوبی، علی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی، ج ۲۶ و ۳۷، کتابخانهٔ موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران ۱۳۷۶، ۱۳۷۷.
- طباطبائی بهبهانی، سیدمحمد، الشریعة الی استدراک الذریعة، ج ۲، کتابخانهٔ موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران ۱۳۸۵.
- فهرست کتب کتابخانهٔ مبارکهٔ آستان قدس رضوی، ج ۲، دارالطباعه طوس، مشهد ۱۳۰۵.
- قزوینی رازی، عبدالجلیل، نقض، تحقیق جلال‌الدین محدّث ارموی، انجمن آثار ملی، تهران ۱۳۵۸.
- گلچین معانی، احمد و غلامعلی عرفانیان، فهرست کتب خطی کتابخانهٔ مرکزی آستان قدس رضوی، ج ۱۳، کتابخانهٔ مرکزی آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۷۲.
- منزوی، احمد، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۳، مؤسسهٔ فرهنگی منطقه‌ئی، تهران ۱۳۵۰.

□

این امر در دو نسخهٔ کهن خطی در متون کهن فارسی سابقه دارد.
 (۱۵) نسخه: نگذرد. اختیار شکل «گذشتن» در متون کهن فارسی سابقه دارد.

می‌نزد و نطفه برید و سرایش عروبا ش...
 درختون و برید و چن دو بار و نام و در...

بر سلاطین بسوگن نرید در حیدر و یاکه هست...
 او خدای عز و جل و یاکه هست...

بدون کماهی و خدای عز و جل و یاکه هست...
 دولت و جاه و جلا و دولت و خدای عز و جل...

مولانا کسایی

تاج پدید خورشید ز درق تابان آمد
 تاج پدید خورشید ز درق تابان آمد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نخورد و در بصرم از شاه نوب حیدر به جفا داد از خیمه و لپاس مندوزق

مولانا تو حیدری

ای پادشاه خوار خورده نه فلک دیو بر وجه تمام باوق حشمت و مهر ملک

بر دستم قصه ای که تو تعلیم و قدر و جفا حیدر از دست سالار همه دور از کسب و بزرگ

بر من فرستاد اسیرم برود شاه، نیکوان خوابان آهوت - ما عیال و شره خویشی خدمت

دام زینر میله حذب تو در مرقع کسب و جمع طاعتت و برون نیت هیچ شکست

بخت بود مقام خجسته زان رسوایان در نه بعد از دشمنی من و آفرید و عجب

عصر طاعتی با حق درین طرد شوایان مرد پیش و در نیکی هندو تو قد و اولاد

شاه عزیز علی پیشتر من از دست کلاه بود بر پاقت او خواران از جفا جمع تا اسفند

نشیند زلفی شکی قول معیشت حذر داشت بر تقاضای بر این خوار و در جبهت

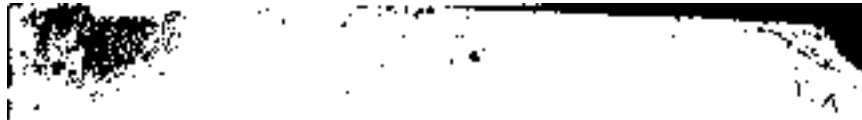
بمرد ز دست طریقه ای از راه مسکن تو میا هیبت نشانیام دیو بر هر دو شرف دست

عصر از خورشید آمد بخت حیدر بر التماس صحرای برین بدست تو در دنیا هر جور بود

از پادشاه بیعتی است بدست افتاب همه آمد بر امر است بر بر حرم نیز تو

عصر حیدر بود خکن صحرای بر جان بنات حکم بود برادر بنی و در - بکره بعد دست

طاعتت با افسان و مسخر تو خالعتد ای - قصه را از تو خالی انوار محبت



حالت این هم نینو ما که کمیش آمد زینت
شهر هم بجای حد حلاوتش در پیشند
حالت بیرون طقت ایر جیت که او سر کوش
سختاوردن مایس زان اکره بر جیت کسب
مجلس این هم نیوز و کله به جیت در خساند
خرامه و شیخ و بنا و او پید بدین سوزند
حافظت برین وقت این جیت که ایر سوزند
بیتها و... سطره ایر جیت و کسب
مجلس بی سوز و کله به جیت در خساند
این بیتها و... سطره ایر جیت و کسب
مجلس بی سوز و کله به جیت در خساند
این بیتها و... سطره ایر جیت و کسب

رابعی

در شب جلوه کرد عطر حکایت
از شکر و کرم عاقبتن مایه و ناست
ادبانه سلاطین پیش هم تاشند
در جنت کشتین طالعین و الاوست

تم الکتاب معور الملك الوهاب

طبع فی القیو القیو بیست الفصحیح الیوم
طبع فی القیو القیو بیست الفصحیح الیوم

۱۳۹۰
۱۳۹۰
۱۳۹۰